

کتاب دانیال - شماره یکصد و سی و پنج

صداهای پیامبرانه سال‌های ۱۷۷۶، ۱۷۸۹ و ۱۷۹۸: مقدمه‌ای بر مهر شدن ۱۴۴,۰۰۰

Jeff Pippenger

2024-03-14

تاریخ‌های ۱۷۷۶، ۱۷۸۹ و ۱۷۹۸، تاریخ مُهر شدن آن صد و چهل و چهار هزار نفر را نشان می‌دهند. در هر یک از آن تاریخ‌ها، وحش زمین سخن گفت. سه نشانه راه که با سه بار سخن گفتن وحش زمین نمادین شده‌اند، با سه ندای مسیح در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، ژوئیه ۲۰۲۳ و قانون یکشنبه‌ای که به زودی خواهد آمد، هم‌راستا هستند.

در روز خداوند در روح بودم و از پشت سرم صدایی بلند شنیدم، مانند صدای شیپور. مکاشفه ۱:۱۰.

هر یک از آن سه نشانه صوتی، «به صدا درآمدن» فزاینده‌ی وای سوم را که همان شیپور هشدار هفتم نیز هست، مشخص می‌کند؛ و شیپور صداست.

با صدای بلند فریاد بزن، دریغ مکن؛ صدایت را چون شیپور بلند کن، و به قوم من تقصیرشان و به خاندان یعقوب گناهانشان را اعلام کن. اشعیا ۱:۵۸.

بانگ کرنای پروتستان در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، صدای دیدبانانی بود که ادونتیسیم لائودیکي را به بازگشت به راه‌های کهن ارمیا فرا می‌خواندند، اما مجمع استهزاگران از قدم نهادن در آن راه‌ها سر باز زد.

خداوند چنین می‌فرماید: در راه‌ها بایستید و بنگرید، و راه‌های دیرین را بجوید که راه نیکو کدام است، و در آن گام بردارید تا برای جان‌های شما آرامی بیابید. اما گفتند: در آن راه نخواهیم رفت. همچنین بر شما نگهبانانی گماشتم و گفتم: به آواز شیپور گوش فرا دهید. اما گفتند: گوش فرا نخواهیم داد. ارمیا ۶:۱۶، ۱۷.

صدای ژوئیه ۲۰۲۳، احیای خدمت فیوچر فور آمریکا بود؛ خدمتی که از نخستین ناامیدی در ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ خاموش مانده بود. همان‌گونه که اعلان یوحنا درباره آمدن قریب‌الوقوع مسیح و اعلان ژوستینیان درباره آمدن قریب‌الوقوع ضد مسیح بود، فیوچر فور آمریکا اعلام کرد که با فرا رسیدن قریب‌الوقوع قانون یکشنبه و نواخته شدن کرنای هفتم در همان نشانه راه، آینده آمریکا برای همیشه دگرگون خواهد شد. صدای کسی که در بیابان فریاد می‌زد، صدای ژوئیه ۲۰۲۳ بود.

صدای دوم باب هجدهم مکاشفه، در هنگام قانون قریب‌الوقوع یکشنبه به صدا درمی‌آید، زمانی که سخن گفتن از دهها به‌وسیله وحش زمین رخ می‌دهد. در همان زمان است که «اللاغ» برای بار سوم زده می‌شود و سپس «اللاغ» سخن خواهد گفت. «اللاغ» اندکی پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، پس از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ زده شد و سپس در هنگام قانون قریب‌الوقوع یکشنبه، جایی که سخن می‌گوید، بار دیگر زده خواهد شد. در روایت بلعام، اللاغ به‌وسیله فرشته‌ای از مسیر بازگردانده شد و آن فرشته نمایانگر چهار فرشته‌ای است که مأمور شده‌اند چهار باد اسلام را نگه دارند، اما در هنگام قانون یکشنبه اللاغ اسلام با آوای کرنای هفتم سخن می‌گوید که همچنین «وای» سوم است.

آنجاست که رؤیای اسلام، که از ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ درنگ کرده، به سخن درمی‌آید؛ زیرا آنگاه دیگر درنگ نخواهد کرد. در دوره مهر شدن یکصد و چهل و چهار هزار نفر، صداهای بسیاری هست و آن دوره مقدم بر داوری اجرایی خداست که با قانون یکشنبه نزدیک‌الوقوع آغاز می‌شود. داوری اجرایی خدا به‌وسیله هفت فرشته با هفت پیاله نمایانده شده است. آن دوره با ریزش روح‌القدس آغاز می‌شود و نمایانگر تکرار پنطیکاست است؛ زمانی که روح‌القدس فرو ریخت و زبان‌های آتش بر آن رویداد شهادت

دادند. ریزش در آن مقطع دیگر محدود به اندازه‌ای نیست، زیرا آنگاه روح‌القدس بی‌اندازه فرو ریخته می‌شود.

آن فرشته‌ای که در اعلام پیام فرشته سوم هم‌صدا می‌شود، باید سراسر زمین را با جلال خود روشن سازد. در اینجا از کاری با دامنه‌ای جهانی و قدرتی بی‌سابقه پیشگویی شده است. جنبش ظهور سال‌های ۱۸۴۰ تا ۱۸۴۴ جلوه‌ای باشکوه از قدرت خدا بود؛ پیام فرشته نخست به هر ایستگاه میسیونری در جهان رسانده شد، و در برخی کشورها بزرگ‌ترین علاقه و شور دینی پدید آمد که از زمان اصلاح دینی قرن شانزدهم در هیچ سرزمینی دیده نشده بود؛ اما اینها نیز با جنبش نیرومندی که تحت آخرین هشداری فرشته سوم برخواهد خاست، پشت سر گذاشته خواهد شد.

کار شبیه به کار روز پنتیکاست خواهد بود. همان‌گونه که «باران نخستین» در افاضه روح‌القدس، در آغاز بشارت انجیل، برای سر برآوردن بذر گران‌بها عطا شد، «باران پسین» نیز در پایان آن برای رسیدن خرمن عطا خواهد شد. مناقشه عظیم، ۶۱۱.

در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، مهر کردن صد و چهل و چهار هزار نفر آغاز شد و روح‌القدس به قدر معینی افاضه شد. اندازه‌گیری این افاضه در تاریخ پنتیکاست به تصویر کشیده شد و از رستاخیز مسیح آغاز گردید؛ آن‌جا که فرشته‌ای گفت: «ای پسر خدا، بیرون بیا؛ پدر تو را فرا می‌خواند»، همان‌گونه که عیسی لعازر را با این کلمات از قبر فرا خواند: «لعازر، بیرون بیا.» در سال ۲۰۲۳، مسیح استخوان‌های خشک و بی‌جان دو شاهد را فرا خواند که «بیرون آیند».

پس از رستاخیز مسیح، او نخست به نزد پدر خود صعود کرد و سپس، همان‌گونه که در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ انجام داد، فرود آمد. سپس به تدریج شاگردانش را روشن ساخت: از دیدار با مریم، تا دیدار با شاگردانی که در راه عمائوس با آنان ملاقات کرد و ایشان را تعلیم داد، و پس از آن ظاهر شدن بر دیگر شاگردان. به مدت چهل روز، پیش از صعود نهایی‌اش، به شاگردان تعلیم داد؛ آنگاه پس از ده روز دیگر، همگی یکدل و در یک جا بودند و روح‌القدس بی‌حد و حصر فرو ریخته شد.

«وقتی عیسی با شاگردانش دیدار کرد، سخنانی را که پیش از مرگش به آنان گفته بود به یادشان آورد، که همه آنچه درباره او در شریعت موسی و در نوشته‌های انبیا و در مزامیر نوشته شده بود باید تحقق یابد. سپس فهم آنان را گشود تا کتاب‌های مقدس را دریابند، و به ایشان گفت: چنین نوشته شده است، و چنین می‌بایست که مسیح رنج بکشد و در روز سوم از میان مردگان برخیزد؛ و اینکه توبه و آمرزش گناهان به نام او در میان همه قوم‌ها، از اورشلیم آغاز، موعظه شود. و شما شاهدان این امور هستید.» اشتیاق اعصار، ۸۰۴.

در ژوئیه ۲۰۲۳، صدای عیسی دو شاهد مرده را بیدار کرد و شروع کرد به گشودن فهم شاگردانش نسبت به همه آنچه در شریعت موسی («هفت بار»)، انبیا (تصویر نبوکدنصر از حیوانات)، و مزامیر (تجربه موسی و بره) نوشته شده بود. کار تعلیم او از هنگام رستاخیزش آغاز شد و طی چهل روز بعد شدت گرفت. این کار با درخواست او برای خوردن آغاز شد.

و چون هنوز از فرط شادی باور نمی‌کردند و در شگفت بودند، به ایشان گفت: آیا اینجا چیزی برای خوردن دارید؟ و به او پاره‌ای ماهی بریان و تکه‌ای شانه عسل دادند. و آن را گرفت و در برابر ایشان خورد. و به ایشان گفت: این همان سخنانی است که وقتی هنوز با شما بودم به شما گفتم، که هرآنچه درباره من در شریعت موسی و در نوشته‌های انبیا و در مزامیر نوشته شده است، باید تحقق یابد. لوقا ۲۴:۴۱-۴۴.

دعا یک نشانه راه اصلی در تاریخ در جریان بود، و در بازه میان رستاخیز مسیح تا صعود او، چهل روز بعد، ده روز تا پنتیکاست باقی ماند (ده، آزمون است)، زمانی که روح‌القدس بی‌اندازه ریخته می‌شد.

رستاخیز او، صعود او، و سپس نزول دوباره‌اش، نمایانگر ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ است. ژوئیه ۲۰۲۳ نمایانگر پایان آن چهل روز است، و دوره ده‌روزه‌ای که پس از ژوئیه ۲۰۲۳ می‌آید به قانون قریب‌الوقوع یکشنبه منتهی می‌شود. در آن دوره نهایی ده‌روزه، وحدت و دعا نشانه‌های راه‌اند. وحدت با نخستین نبوت حزقیال در فصل سی‌وهفتم نشان داده شد، نبوتی که استخوان‌ها، زردپی‌ها و گوشت را کنار هم آورد. دومین نبوت حزقیال تفسیر چهار باد بود، و تفسیر نماد دعاست. در آن ده روز نهایی، یک صد و چهل و چهار هزار نفر مهر می‌شوند، چنان‌که لعازر نمونه آنان بوده است.

این علت تأخیر او در رفتن به بیت‌عنیا بود. این معجزه اوج کار، یعنی زنده کردن لعازر، برای آن بود که مهر خدا را بر کار او و بر ادعای الوهیت او بنهد. اشتیاق اعصار، ۵۲۹.

نه‌تنها دوشیزگان خردمند در جریان این معجزه نهایی مهر و موم می‌شوند، بلکه دوشیزگان نادان نیز در جبهه نادرست این ماجرا مهر و موم می‌شوند.

والا‌ترین معجزه مسیح—زنده کردن لعازر—تصمیم کاهنان را برای پاک کردن جهان از وجود عیسی و کارهای شگفت‌انگیزش، که به سرعت نفوذشان را بر مردم نابود می‌کردند، نهایی کرده بود. اعمال رسولان، ۶۷.

صداها‌ی فراوانی که در تاریخ مهر شدن صد و چهل و چهار هزار نفر تا فرارسیدن قانون یکشنبه قریب‌الوقوع به گوش می‌رسند، «خط بر خط»، یعنی صداها‌ی کلام نبوی خدا هستند، و آن صداها در دوره‌ای به گوش می‌رسند که در آن «اثر هر رؤیا» به انجام می‌رسد. آن‌ها زمانی به گوش می‌رسند که مهر هفتم گشوده می‌شود.

و چون مهر هفتم را گشود، در آسمان نزدیک به نیم ساعت سکوتی پدید آمد. و آن هفت فرشته را که در حضور خدا می‌ایستاد دیدم؛ و به ایشان هفت کرنا داده شد. و فرشته‌ای دیگر آمد و بر مذبح ایستاد، در حالی که عودسوزی زرین در دست داشت؛ و بخور بسیار به او داده شد تا آن را با دعاها‌ی همه مقدسان بر مذبح زرینی که پیش تخت بود بگذراند. و دود بخور، که با دعاها‌ی مقدسان بود، از دست فرشته به حضور خدا بالا رفت. و فرشته عودسوز را گرفت و آن را از آتش مذبح پر کرده، بر زمین افکند؛ و صداها و رعدا و برق‌ها و زلزله‌ای پدید آمد. مکاشفه ۸:۵-۵

گشوده شدن مهر هفتم سکوتی پدید آورد، زیرا آن دوره نمایانگر تغییری در تدبیر الهی است، و در دگرگونی یک تدبیر مقدس، همواره در آسمان سکوت برقرار است، چنان‌که صلیب گواهی می‌دهد، هنگامی که فرشتگان از نغمه و ستایش خود بازایستادند. سکوت در آسمان نیز بر اساس مقررات روز کفاره تأیید می‌شود، و در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴، حقوق باب ۲، آیه ۲۰ فرمان داد که تمامی زمین خاموش باشد.

به من محبت عظیم و فروتنی خداوند نشان داده شده است، در این‌که پسر خود را داد تا بمیرد، تا انسان آمرزش بیابد و زندگی کند. به من آدم و حوا نشان داده شده‌اند؛ آنان امتیاز داشتند که زیبایی و دل‌انگیزی باغ عدن را ببینند و اجازه داشتند از همه درختان باغ، جز یکی، بخورند. اما مار حوا را وسوسه کرد، و او شوهرش را وسوسه کرد، و هر دو از درخت ممنوعه خوردند. آنان فرمان خدا را شکستند و گناهکار شدند. این خبر در سراسر آسمان پیچید و همه چنگ‌ها خاموش شدند. فرشتگان اندوهگین شدند و ترسیدند مبدا آدم و حوا بار دیگر دست دراز کنند و از درخت حیات بخورند و گناهکاران جاودانه شوند. اما خداوند گفت که سرپیچی‌کنندگان را از باغ بیرون خواهد راند و به وسیله کروبیان و شمشیری آتشین راه درخت حیات را محافظت خواهد کرد، تا انسان نتواند به آن نزدیک شود و از میوه‌اش که جاودانگی را تداوم می‌بخشد، بخورد. نوشته‌های اولیه، ۱۲۵.

آسمان در سکوت فرو رفت هنگامی که انسان‌ها گناهکار شدند، و آسمان در سکوت فرو رفت هنگامی که خون مسیح برای بازخرید گناهکاران ریخته شد، و آسمان در سکوت فرو رفت هنگامی که کار داوری مسیح برای زدودن گناه از قومش آغاز شد.

"شفاعت مسیح به نفع انسان در قدس آسمانی به همان اندازه برای طرح نجات ضروری است که مرگ او بر صلیب بود. او با مرگ خود آن کاری را آغاز کرد که پس از رستاخیزش به آسمان عروج کرد تا آن را در آسمان کامل کند." مناقشه عظیم، 489.

کار داوری با آمدن فرشته سوم در سال ۱۸۴۴ آغاز شد، اما قوم خدا ترجیح دادند در بیابان بمیرند، به جای آن که برای ابد با الوهیت یکی شوند. فرشته سوم بار دیگر در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ آمد و بار دیگر در آسمان سکوت برقرار شد. سپس شیر قبیله یهودا آغاز کرد به گشودن مهر هفتم، در حالی که فرشتگان ورود فرشته سوم به تاریخ نسل آخر را نظاره می‌کردند.

هفت فرشته داوری آنجا حاضر بودند و آماده بودند کار ویرانگری خود را آغاز کنند، اما سپس به آنان گفته شد: «درنگ کنید، درنگ کنید، درنگ کنید»، در حالی که صد و چهل و چهار هزار نفر مهر می‌شدند. دعا‌های دوگانه وفاداران به آسمان فرستاده شدند؛ دعا‌هایی که با ده روز پیش از پنتیکاست نمادپردازی شده بودند و این ده روز پس از چهل روز (نمادی از بیابان) آغاز شد و نمایانگر سه و نیم روز (نمادی از بیابان) باب یازدهم مکاشفه بود. آنگاه به دو شاهد، با صدایی از بیابان، دستور داده شد که باید دو دعای دانیال را به انجام برسانند: دعای باب دوم دانیال، که در آن دانیال و سه مرد شایسته برای یافتن نوری تا راز رؤیای پنهان نبوکدنصر درباره تمثال وحوش را درک کنند دعا کردند؛ و نیز دعای دانیال در باب نه، که دانیال در آن تنها دعا کرد و الزامات دعای لاویان باب بیست‌وشش را به‌جا آورد.

دعای جمعی دانیال در باب دوم برای طلب نوری بود درباره رازی پنهان که در خط بیرونی تاریخ نبوت پنهان شده بود. دعای خصوصی شخصی دانیال در باب نهم برای رحمت در قبال نیازی درونی بود. با آغاز فرود آمدن آتش باران پسین در سال ۲۰۰۱، برای کسانی که روش خطرخط را می‌فهمیدند صدا‌های بسیاری شنیده می‌شد. آتشی که از مذبح به زمین افکنده می‌شد، همان پیامی بود که جدایی نهایی خردمندان و نادانان را پدید آورد، و هرچه آن پیام در طول آن ده روز نمادین به گسترش خود ادامه داد، پیام روشن‌تر و روشن‌تر شد.

پیام، بحران فزاینده وای سوم بود که در حزقیال باب سی‌وهفتم، عبارت بود از دو نبوتی که نخست موجب شد دو شاهد گرد هم آیند و سپس باعث شد همچون سپاهی نیرومند بایستند. آنگاه در همان باب سی‌وهفتم، آنان در یک چوب واحد به هم پیوسته می‌شوند، و اتحادی که با یکی شدن در قالب یک چوب به تصویر کشیده شده، بیانگر ترکیب الوهیت با انسانیت است؛ ترکیبی که در مراحل پایانی مهر شدن آن صد و چهل و چهار هزار نفر تحقق می‌یابد.

در ژوئیه ۲۰۲۳ دعاها شروع به بالا رفتن کردند، و این‌ها دعا‌های باب نهم و باب دوم کتاب دانیال بودند. سپس صداها و نیز رعدها شنیده شدند، و آنگاه برق‌ها دیده شدند. برق و رعد، چه در جهان طبیعی و چه در نبوت، باران را همراهی می‌کنند. باران در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ آغاز شد. نخستین اشاره به برق و رعد، آن را پیامی معرفی می‌کند که برای برانگیختن ترس الهی طراحی شده است.

و بامداد روز سوم واقع شد که رعد و برق پدید آمد و ابری غلیظ بر کوه بود و آواز شیپور بسیار بلند بود؛ چندان که همه قوم حاضر در اردو به لرزه افتادند. خروج ۱۹:۱۶

رعد و برق با «صدا»ی یک شیپور همراه بودند. آن‌ها با باران نیز همراه‌اند و نمایانگر گام‌های پیش‌گویانه برای هدایت قوم خدا هستند.

ابرها آب فرو ریختند؛ آسمان‌ها صدا برآوردند؛ تیرهای تو نیز به هر سو روان شدند. آواز رعد تو در آسمان بود؛ برق‌ها جهان را روشن کردند؛ زمین لرزید و به خود جنبید. راه تو در دریاست و مسیر تو در آب‌های عظیم است، و رد پای تو شناخته نیست. قوم خود را همچون گله‌ای به دست موسی و هارون رهبری کردی. مزمور ۷۷:۱۷-۲۰.

رعد و برق صدای خداست که در هنگام باران رخ می‌دهد، و در همان زمان، او بادهایش را (اسلام باد شرقی است) از خزانه خود بیرون می‌آورد.

هنگامی که او آواز خود را برآورد، در آسمان‌ها انبوه آب‌ها پدید می‌آید؛ و او بخارها را از اقصای زمین برمی‌خیزاند؛ برق‌ها را با باران پدید می‌آورد، و باد را از خزانه‌های خویش بیرون می‌آورد. ارمیا ۱۳:۱۰.

خدا هنگامی که چون شیری فریاد برکشید، صدای خود را بلند کرد، و در پاسخ هفت تندر سخن گفتند، و آن هفت تندر نمایانگر گام‌های خدا در طول تاریخ جنبش میلری و نیز در جنبش فرشته سوم هستند که بار دیگر در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ فرا رسید، آنگاه که او باد شرقی را از گنجینه‌های خود بیرون آورد.

او بخارها را از کرانه‌های زمین بالا می‌آورد؛ آذرخش‌ها را برای باران می‌سازد؛ و باد را از خزائن خویش بیرون می‌آورد. او که نخست‌زادگان مصر را، اعم از انسان و حیوان، هلاک کرد. مزمور ۱۳۵:۷، ۸.

او باد را از خزائن خویش بیرون آورد، هنگامی که نخست‌زادگان مصر هلاک شدند، و فصیح نماد صلیب بود که به نوبه خود نماد آمدن فرشته سوم در سال ۱۸۴۴ بود، که آن نیز به نوبه خود نماد بازگشت فرشته سوم در روز باد شرقی در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ بود.

وقتی مهرها از کتابی که با هفت مهر مهر شده است برداشته می‌شود، این امر نشان‌دهنده آشکار شدن تدریجی حقیقت است. برداشته شدن مهر هفتم نشان‌دهنده زمان مهر شدن صد و چهل و چهار هزار نفر است. وقتی کتابی که با هفت مهر مهر شده بود برای نخستین بار ذکر می‌شود، آذرخش‌ها، رعدها و صداها وجود دارند، اما زلزله‌ای وجود ندارد.

و از تخت، برق‌ها و رعدها و صداها بیرون می‌آیند؛ و در برابر تخت، هفت چراغ آتشین می‌سوختند که هفت روح خدا هستند. مکاشفه ۴:۵.

در نخستین اشاره به صداها، صاعقه‌ها و رعدها، باران نماد روح‌القدس است که همان هفت مشعل آتش است، اما زلزله‌ای وجود ندارد. در هنگام گشوده شدن مهر هفتم است که زلزله قانون یکشنبه‌ای که به زودی می‌آید مشخص می‌شود. باب چهارم مکاشفه آغاز مهرگشایی حقیقت را که به دست شیر قبیلۀ یهودا انجام می‌شود مشخص می‌کند، و هنگامی که زمان مهر کردن مشخص می‌شود، آغاز و پایان آن دوره نیز تعیین می‌شود.

آغاز دوره کنونی زمانی بود که فرشته در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ نازل شد تا زمین را با جلال خود روشن سازد، سپس در اشعیا باب شش آگاه می‌شویم که پیامی که با «صداها، برق‌ها، رعدها، باد و باران» نشان داده شده و در قانون یکشنبه به پایان می‌رسد، باید برای قومی اعلان شود که می‌بینند، اما قادر نخواهند بود معنای برق‌ها را دریابند، و هرچند می‌شنوند، قادر نخواهند بود صداها و رعدها را بفهمند، تا آن‌که زمین‌لرزه عظیم آنان را فراگیرد. دوره مهر کردن یکصد و چهل و چهار هزار، دوره‌ای است که در آن اثر هر رؤیا تحقق می‌یابد.

آن دوره تاریخی دو دسته پرستندگان را پدید می‌آورد و آشکار می‌سازد. یک دسته باران را می‌شناسند و بنابراین آن را دریافت می‌کنند، زیرا می‌توانند آذرخش را ببینند و صداها، رعد و باد را بشنوند. در

پایان دوره مهر و موم شدن، زلزله عظیم قانون یکشنبه قریب الوقوع سپس آغازگر داورى‌هاى اجراى خدا مى‌شود.

و هیکل خدا در آسمان گشوده شد، و در هیکل او صندوق عهد او دیده شد؛ و برق‌ها و صداها و رعد‌ها و زلزله و تگرگ عظیم پدید آمد. مکاشفه ۱۱:۱۹

در زلزله عظیم، «برق‌ها، صداها و غرش‌هاى رعد»، «تگرگ» را نیز در بر مى‌گیرند. «تگرگ» نمایانگر داورى‌هاى است که هفت فرشته در آغاز زمان مهر کردن، هنگامى که مهر هفتم گشوده مى‌شد، آماده فرو ریختن‌شان بودند و آغاز به فرو ریختن آنها کردند؛ همان زمانى که منتظر بودند فرشته از میان اورشلیم بگذرد و بر کسانى که برای رجاساتى که در سرزمین (بیرونى) و در کلیسا (درونى) انجام مى‌شد ناله و زارى مى‌کردند، نشانى بگذارد.

«تگرگ» زمان داورى‌هاى ویرانگر خدا را نشان مى‌دهد؛ زمانى که برای گله دیگر خدا رحمتى است و آنان در همان هنگام از بابل فراخوانده مى‌شوند؛ و هنگامى که آخرین نفر از جماعت عظیم به گله خدا بپیوندند، مهلت آزمون انسان به‌طور کامل پایان مى‌یابد.

و فرشته هفتم کاسه خود را در هوا ریخت؛ و صدایى بلند از هیکل آسمان، از نزد تخت، برآمد که مى‌گفت: «تمام شد.» و صداها و رعد‌ها و برق‌ها پدید آمد؛ و زلزله‌اى بزرگ رخ داد، چنان‌که از آن هنگام که انسان بر زمین بوده است، هرگز چنین زلزله‌اى، به این اندازه نیرومند و این قدر عظیم، نبوده است. و آن شهر بزرگ به سه بخش تقسیم شد، و شهرهاى قوم‌ها فرو ریختند؛ و بابل عظیم در حضور خدا به یاد آورده شد تا جام شراب تندى خشم او به او داده شود. مکاشفه ۱۶:۱۷-۱۹.

خواننده عزیز: آیا صداها و غرش‌هاى رعد را مى‌شنوی؟ آیا برق را مى‌بینی؟ آیا باد را حس مى‌کنی؟ به‌زودی صدای باکره‌هاى نادان را که برای روغن التماس مى‌کنند خواهی شنید.

ما این مطالعه را در مقاله بعدى ادامه خواهیم داد.

ما صلح را انتظار داشتیم، اما خیرى نیامد؛ و زمان شفا را، و اینک مصیبت! خرناس اسبان‌ش از دان شنیده شد؛ سراسر زمین از آواز شیهه نیرومندان‌ش به لرزه درآمد؛ زیرا آمده‌اند و زمین را و هر آنچه در آن است بلعیده‌اند؛ شهر را و ساکنانش را. زیرا اینک، ماران و افعیان را در میان شما خواهم فرستاد که افسون‌پذیر نیستند، و شما را خواهند گزید، مى‌گویند خداوند. هرگاه خواستم خود را در برابر اندوه تسلى دهم، دلم در درونم سست مى‌شود. اینک، آوای فریاد دختر قوم من از سوى آنان که در سرزمینى دور ساکن‌اند: آیا خداوند در صهیون نیست؟ آیا پادشاهش در میان‌ش نیست؟ چرا مرا به خشم آوردند با بت‌هاى تراشیده خود و بیهودگى‌هاى بیگانه؟ زمان درو سپرى شد، تابستان پایان یافت، و ما نجات نیافته‌ایم. از درد دختر قوم من، من نیز مجروحم؛ سوگوارم؛ حیرت مرا فرا گرفته است. آیا در جلعاد مرهمى نیست؟ آیا در آنجا پزشکی نیست؟ پس چرا سلامتى دختر قوم من بهبود نیافته است؟ ارمیا ۱۵:۸-۲۲.